

محور را به عنوان شعار خود انتخاب نموده است. ۳. جنبشی که تحت تأثیر تکامل اجتماعی اسپنسر و اندیشه های آزادی خواهانه و حرکت های سیاسی برای توسعه دموکراسی بوده است. به بازسازی اجتماعی توجه دارد. این جنبش نیز بر تلفیق، البته بر تلفیق اجتماعی و برنامه ریزی مشارکتی و استفاده از برنامه عملیاتی برای تربیت دموکراتیک تأکید می ورزد.

در این راه توجه به برنامه های درسی میان رشته ای و ایجاد تمرکز در سازماندهی برنامه های درسی را می توان در بیست و ششمین کتاب سال انجمن ملی مطالعات تعلیم و تربیت موسوم به (NSSE) با عنوان "مبانی ساخت برنامه درسی" یافت که معروض می دارد "محتوا و سازماندهی کنونی برنامه های درسی از هیچ قداستی برخوردار نیست. (یزدان پناه به نقل از مهر محمدی، ۱۳۸۵).

مبانی نظری تلفیق

تلفیق برنامه درسی عبارت است از یک روش سازماندهی مواد یادگیری مشترک یا مهارت های زندگی که برای همه شهروندان ضروری هستند. برنامه ای است که حول محور مسایل و مشکلات زندگی واقعی یادگیرندگان سازماندهی شده است. و هدف آن این است که به دانش آموزان کمک کند که یاد بگیرند چگونه در یک زندگی دموکراتیک مشارکت کنند. (بینه، ۱۹۹۷).

شوماخر، ۱۹۸۹ می گوید تلفیق، جنبه های مختلف برنامه را در یک ترکیب معنی دار و در یک حوزه محتوایی وسیع پیوند می زند. در این صورت یک مقوله کلی در نظر گرفته می شود که بازتابی از زندگی واقعی است.

رویکرد های تلفیقی در پی آن هستند که با ارایه سازماندهی خاص از آموزش، فرصت هایی را برای فراگیران فراهم سازد تا با اصول، مبادی، روش ها و موضوعات متنوع در قلمروهای متعدد آشنا شوند.

در ارتباط با ضرورت تلفیق در برنامه های درسی می توان به نظریات دو استاد برجسته تعلیم و تربیت وایت هد و جیکوبز (۱۹۸۹)، توجه کرد:

وایت هد معتقد است که تنها یک ماده درسی برای تعلیم و تربیت وجود دارد و آن زندگی در تمام ابعاد است. به جای این واحد مستقل ما به دانش آموزان دروسی مانند جبر، هندسه، تاریخ و ... پیشنهاد می کنیم که از آنها هیچ نتیجه ای عاید نمی شود.

زبان های مختلف را درس می دهیم که کودکان هرگز در آنها مهارت لازم را به دست نمی آورند. سرانجام از همه ملال انگیز تر ادبیات است

رویکرد تلفیق:

راهبردی برای برنامه درسی مدارس امروز

سید عبدالله خاوری^۱

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی - دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی

چکیده

فلسفه آموزش و پرورش بنا بر مقتضیات هر جامعه و هر نسلی متغیر است چنانکه در نسل گذشته تنها به انتقال مجموعه ای از یک دانش سازمان یافته و یا ایجاد و ارتقای نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای فرد و جامعه محدود می شد که این نکته در چارچوب و برنامه ای متأثر از یک نظام رشته ای با ساختاری مشخص و زنجیره ای نهادینه از مفاهیم روش ها و گام های آموزشی نمودی داشت.

اما امروزه فلسفه آموزش توسعه یافته است و از جزئی نگری و محدودیت های تخصصی شدن و تقسیم علوم خارج شده و بنا به زندگی انسان که به صورت کل واحد است، برنامه ریزی درسی نیز به صورتی تغییر یافته است که: "اولاً انسان مسایل را به خوبی بشناسد و ثانیاً برای حل آنها اقدام نماید.

تلفیق در برنامه درسی، از مباحث بسیار اساسی و چالش برانگیز در طراحی برنامه های درسی به شمار می آید و موضوعی است که ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود اختصاص داده است این مقاله پس از ارایه چارچوبی برای آشنایی با زمینه های تلفیق به چرایی ایجاد زمینه برنامه ریزی به روش تلفیق در مدارس امروز می پردازد.

واژگان کلیدی:

برنامه ریزی درسی - روش برنامه ریزی میان رشته ای - روش برنامه ریزی به شیوه تلفیق.

مقدمه:

انسان و پیچیدگی های آن و همچنین طبیعت و ابعاد مختلف آن و تعدد و تکثر رهیافت ها روش ها و ابعادی که می توان آنها را در بررسی از واقعیت های فیزیکی یا انسانی مورد توجه قرار داد و از سوی دیگر لازمه منطقی رشد و پیشرفت در علوم که به اقسام موضوعی و بدون ارتباط با یکدیگر مبدل شده است، سبب گردیده که دانش سازمان یافته که از آن به عنوان دیسپلین یاد می گردد نتواند به خوبی واقعیت های موجود آن و با توجه به شرایط پیچیده زندگی امروزی و همچنین ماهیت یکپارچه انسان، با پرهیز از تفکیک تصنعی موضوعات درسی، لزوم و یکپارچه نگری به دانش آموزان و یادگیری او و نیز ضرورت پرورش فکری یادگیرندگان تأکید فراوان می گردد.

در یک سخن می توان اذعان داشت

رویکرد های تلفیقی در پی آن هستند که با ارایه سازماندهی خاص از آموزش، فرصت هایی را برای فراگیران فراهم سازد تا با اصول، مبادی، روش ها و موضوعات متنوع در قلمروهای متعدد آشنا شوند. در این مقاله پس از بررسی تاریخچه تلفیق، به بیان نظری این رویکرد پرداخته و اشکال تلفیق را معرفی می نماید.

تاریخچه تلفیق

ضرورت تلفیق برنامه درسی در حوزه تعلیم و تربیت، نیازی است که در اثر توسعه علوم و عدم کارایی برنامه های درسی رایج متجلی شده است. انفجار اطلاعات و گسترش روز افزون علم، گسیختگی بخش های گوناگون برنامه درسی رشته ای و بی ارتباطی آن با زندگی و موقعیت های اجتماعی از جمله مهمترین مسایل برنامه ریزی رایج است. که موجب رشد نیاز به برنامه تلفیقی گشته است (جی کوبز، ۱۹۸۹).

چنانچه علم الهدی (۱۳۸۱) می گوید "برنامه ریزی رشته ای و موضوع محور که مبتنی بر موضوعات مجزای باشد میراث انسانگرایی کلاسیک است که دنیا را به قسمت های مجزا تقسیم می کند. روانشناسی قوای ذهنی و نظری انضباط عقلی که ذهن را مانند ماهیچه ای به چند بخش تقسیم نموده و هر بخش را متناسب دیسپلین خاصی می داند برنامه ریزی رشته ای را مورد حمایت قرار داده است."

این در حالی است که بروز و ظهور جریانی به نام برنامه ریزی درسی تحت تأثیر سه جنبش قرار دارد که عبارتند از:

۱. جنبشی که تحت تأثیر انفجار صنعت و توسعه تجارت به وجود آمده و بر کار آمدی اجتماعی به منظور تربیت متخصصان شایسته و آماده سازی کودکان جهت پذیرش نقش های گوناگون در دنیای بزرگسالان نظر داشته. این جنبش که در حقیقت به جنبش کارآمدی اجتماعی مشهور است، تلفیق دانش فنی و نظری، همچنین به کارگیری آن در زمینه های واقعی را مورد توجه قرار می دهد.

۲. جنبشی که تحت تأثیر رمانتیسزم روسو با مطالعات علمی استتلی هال درباره کودک بوجود آمده و رشد کودک را مد نظر قرار داده است. این جنبش نیز اندیشه هایی نظیر تلفیق شخصی، برنامه ریزی معلم - شاگردی و یادگیری پروژه

که از طریق ارائه نمایشنامه های شکسپیر همراهِ با جنبه های فلسفی و تحلیل های کوتاه از دسیسه ها و منش های عرضه شده و می باید در حالت اصلیش به حافظه کودک محول شود. این در حالی است که دانش آموز نمی داند چگونه این اجزا را در کنار یکدیگر قرار دهد و به یادش بیاورد (یزدان پناه، ۱۳۸۵).

جیکوز، از استادان برنامه ریزی درسی و پژوهشگران فعال و نامور مباحث برنامه ریزی درسی به طرح ضرورت ها و اهمیت اتخاذ رویکرد تلفیقی در برنامه ریزی درسی می پردازد، عبارت است از:

۱. رشد دانش: افزوده شدن تعداد موضوعات درسی که ناشی از تخصصی شدن رشته های علمی است. به عنوان روندی توقف ناپذیر، مدارس را با بحران مواجه ساخته است. این در حالی است که ظرف زمانی آموزش تا حدود زیادی طی این سال ها دست نخورده باقی مانده است. برای رهایی از این مشکل برقراری تناسب میان ظرف و مظروف جز تلفیق راهی وجود ندارد.

۲. جدول زمانی تکه تکه شده: جسی کوبز، در توضیح این نکته می گوید، اختصاص یک زنگ (۴۰ تا ۵۰ دقیقه ای) به هر ماده درسی از یک سو و کثرت مواد درسی از سوی دیگر سبب شده است که برنامه درسی به ویژه در دوره متوسط تکه تکه شده و دانش آموزان با تمام وجود قسمت قسمت شدن افراطی زمان آموزشی را تجربه کنند. یکی از شیوه های معلمان خصوصا "در دوره متوسط زمان محدود و ناکافی اختصاص داده شد به یک ماده درسی است که به دلیل کثرت مواد درسی گریز ناپذیر است.
۳. مرتبط بودن برنامه درسی: جسی کوبز، با لحنی کنایه آمیز می گوید:

"هیچ روش دیگری نمی تواند به اندازه ای که روش کنونی در طراحی برنامه های درسی موجب گریز دانش آموزان از مدرسه می شود، موفق باشد." وی می افزاید از جمله مهمترین امتیازات برنامه های تلفیقی با میان رشته ای این است که محتوای دروس را برای دانش آموزان از حالت خشک، بی روح، انتزاعی، مجرد و در نتیجه بی معنا خارج می کند.

۴. تطابق با کیفیت یادگیری در محیط طبیعی: این نکته را می توان یکی از جنبه های ویژه نکته قبلی یعنی کوشش در جهت تقویت احساس معنی دار بودن برنامه درسی برای دانش آموزان دانست. (یزدان پناه به نقل از مهر محمدی، ۱۳۸۵).

بیشتر آنکه کیفیت یادگیری در محیط های آموزشی با یادگیری، آنگونه که در محیط های طبیعی اتفاق می افتد، سنخیتی ندارد. تنها در محیط مدرسه است که در قالب های زمانی تک زنگ افراد باید با موضوعات و مباحث مختلف سرو کار پیدا کنند. حال آنکه در ورای مرزهای مدرسه، افراد با مسایل و دلمشغولی های زندگی در بستر زمان به گونه ای جاری و ساری و بدون اینکه مسایل از تقسیم بندی حوزه دانش تأثیر پذیرفته باشد، زندگی در تمامیت آن، رویارو می شوند.

در واقع می توان بیان داشت رویکردهای تلفیقی در بی آن هستند که با ارائه سازماندهی خاصی از آموزش، فرصت هایی را برای فراگیران فراهم سازند تا با اصول، مبادی، روش ها و موضوعات متنوع در قلمروهای متعدد آشنا شوند. این البته

به معنای نفی محاسن و فواید نظام های رشته ای نیست. رویکرد رشته ای به علت برخورداری از آگاهی سازمان یافته از حقیقت از طریق مفاهیم و الگوهای مربوط و رشد تدریجی و منطبق بر مسیر تعریف شده، اثر اطمینان بخشی بر یادگیرنده دارد.

تنها یک ماده درسی برای تعلیم و تربیت وجود دارد و آن زندگی در تمام ابعاد است. به جای این واحد مستقل ما به دانش آموزان دروسی مانند جبر، هندسه، تاریخ و ... پیشنهاد می کنیم که از آنها هیچ نتیجه ای عاید نمی شود.

اشکال تلفیق در برنامه های درسی

در رابطه با انواع الگوهای برنامه درسی تلفیقی، تقسیم بندی های مختلفی وجود دارد. در یک نوع تقسیم بندی الگوهای ذیل قرار دارد:

۱. حوزه های گسترده: این حوزه ها معروف الگویی است که از طریق پیوند دادن و متصل نمودن چند حوزه محتوایی به یکدیگر شکل می گیرد. مانند: "هنرهای زبانی و یا مطالعات اجتماعی"
۲. پروژه ها: سازماندهی پروژه ای برنامه درسی مبین آن نوع سازماندهی است که دانش آموزان را با موضوعی فراگیر و جامع به نام پروژه روبرو می سازد. یادگیری در این نوع برنامه مستلزم برقراری ارتباط میان حوزه های محتوایی است. این روش سازماندهی متناسب به "کیلیپارتیک" است و عمدتاً در دوره ابتدایی کاربرد داشته است. مثل "پروژه جامعه محلی" که توسط "مریث اسمیت" در سال ۱۹۲۱ برای دانش آموزان مقطع ابتدایی طراحی شد.

۳. برنامه درسی با هسته اصلی: این برنامه درسی با استفاده از مسایل و مشکلات اجتماعی به عنوان محور سازماندهی برنامه، امکان پیوند حوزه های محتوایی گوناگون موضوعات درسی مختلف را فراهم می آورد.

این نوع سازماندهی بیشتر در طراحی برنامه های درسی دوره متوسطه کاربرد داشته موضوعاتی از قبیل جمعیت، تبعیض نژادی، آلودگی محیط زیست، فقر جهانی و همچنین جنگ و صلح در این الگو جای می گیرند.

۴. تلفیق: عمیق ترین سطح تلفیق زمانی است که دانش آموز یا گروهی از دانش آموزان با مینا قراردادن علایق و نیاز های خوب به برنامه درسی و تجارب یادگیری شکل و ساختار می دهند. این الگو مبین طرز تلقی طرفداران دیدگاه پیشرفت گرایی و کودک محوری از تلفیق می باشد. در تقسیم بندی دیگری "جیکوبز ۱۹۸۹"، پنج نوع از برنامه های درسی را به شرح زیر مشخص کرده است:

۱. رشته های موازی^۱
۲. واحدهای درسی یا درس های شکل گرفته از رشته های مکمل یکدیگر^۲
۳. درس های میان رشته ای^۳

۴. الگوی روزانه تلفیق^۴: در این الگو تلفیق بیشتر به صورت روزانه و بر اساس تمایلات و علایق دانش آموزان تنظیم می شود. این الگو به صورت خود جوش بوده و از پیش تعیین شده نمی باشد.
- ۵- برنامه کامل: این الگو که حالتی افراطی دارد کاملاً بر اساس تجارب، پیشینه، علایق و پرسش های دانش آموزان شکل می گیرد این الگو به دلیل آنکه درصد ایجاد هماهنگی کامل بین برنامه درسی و محیط بیرون از مدرسه است کامل تلقی می گردد.

فوگاتی (۱۹۹۱)، نیز سه شکل اساسی از تلفیق برنامه درسی را توصیف می کند که این سه شکل شامل ده متدولوژی است:

شکل اول: درون یک نظام رشته ای خاص که از طریق سه متدولوژی "مجزا"، "ربط یافته" و "لانه ای یا تودرتو" صورت می گیرد.

شکل دوم: بین رشته ها که از طریق پنج متدولوژی صورت می گیرد که عبارت است از:

- ۱- توالی منطقی^۲ - همپوشی^۳ - تنیده^۴
- ۲- نخ تسبیح^۵ - تلفیق شده^۶

شکل سوم: درون و بین یادگیرندگان: ۱- غوطه ور شده^۲ - شبکه ای

۱. الگوی مجزا^۱: یک رویکرد سنتی طراحی برنامه درسی است که عناوین و دروس به صورت مجزا در نظام های رشته ای قرار می گیرد. مثل:



رویکرد به طور کلی دانش آموزان محور هستند و تأکید دارد که تنها یادگیرنده می تواند فرایند تلفیق را جهت دهند، یعنی دانش آموز عناوین مورد نیاز را می شناسد و آنها را درون رشته های مختلف انتخاب می کند.

نتیجه: تلفیق (در هم آمیختن موضوع های درسی) به عنوان یکی از اساسی ترین بحث در طراحی برنامه های درسی می تواند نقش مهمی در بسط و گسترش دانستگی های دانش آموزان مدارس امروز ما داشته باشد. به هم تنیده شدن دنیای واقعی با دنیای درسی و طریقه به خدمت گرفتن دانسته و کاربردی کردن آنها در حل مسایل زندگی و جامعه که از آن به منش یاد می کنند، در حوزه دیسپلین رسمی کارساز نیست. گرچه اشکال مختلفی در حوزه تلفیق وجود دارد اما یافتن و استفاده بهترین شکل و الگو از این رویکرد عزم و اهتمام ویژه ای طلب می کند که بر عهده برنامه ریزان و سیاست گذاران و طراحان برنامه درسی است.

منابع و ماخذ:

- ۱- مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظریه ها، رویکردها و چشم اندازها. انتشارات آستان قدس رضوی: به نشر، تهران.
- ۲- ملکی، حسن. (۱۳۸۲). رویکرد تلفیقی به برنامه درسی. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران.
- ۳- مایرز، جت. (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایلی. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) تهران.
- ۴- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۱). تبیین تعلیم و تربیت اسلامی و دلالت های آن برای برنامه درسی. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- یزدان پناه، علی. (۱۳۸۵). طراحی الگوی برنامه ریزی درسی برای پرورش منش های تفکر دانش آموزان. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- the uses of (۱۹۸۸). brody, harry. schooling.rutlege in association with Methuen inc continuing the (۱۹۹۵). cobb, p. a conversation: A response to smith "available at: <http://www.cop.uga.edu/epltt/socialconstructivism.htm>

منابع و ماخذ:

- ۱- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - دانشجوی کارشناس ارشد تحقیقات تربیتی
- ۲- jacobs
- ۳- parallel Discipline
- ۴- Complementary Discipline Units
- ۵- Interdisciplinary Units
- ۶- Integrated day model course
- ۷- Fragmented
- ۸- Connected
- ۹- Nested
- ۱۰- Sequenced
- ۱۱- Shared
- ۱۲- Webbed
- ۱۳- threaded
- ۱۴- Integrated
- ۱۵- Immersed
- ۱۶- Networked

زبانی نیز درباره مخترعان بحث می شود و در درس تکنولوژی رایانه نیز ترسیم نمودارها به موضوع اختراعات مرتبط می شود.

۷. الگوی نخ تسبیح^{۱۳}: یک رویکرد فرا برنامه ای است به گونه ای که عقاید بزرگ گسترش می یابند. این رویکرد مهارت های تفکر، مهارت های اجتماعی، مهارت های مطالعه، تکنولوژی و هوش چندگانه را با هم ترکیب می کنند. روش تدریس در این رویکرد روش اکتشافی و خوداظهاری است. برای مثال معلم از دانش آموز می پرسد که برای حل مسایل به چند نوع مهارت فکری نیاز دارید؟

مهمترین امتیازات برنامه های تلفیقی یا میان رشته ای این است که محتوای دروس را برای دانش آموزان از حالت خشک، بی روح، انتزاعی، مجرد و در نتیجه بی معنا خارج می کند.

۸. الگوی تلفیق شده^{۱۴}: تأکید روی عناوین و مفاهیم مشترک میان رشته ها است و به الگوی هم پوشی شبیه است. در این رویکرد تأکید روی پیدا کردن عناوین و موضوعاتی است که دارای هم پوشی هستند که معمولاً شامل مفاهیم نسبتاً عام می باشند.

۹. الگوی غوطه ور شده^{۱۵}: بر اساس این رویکرد، تلفیق در درون یادگیرندگان اتفاق می افتد در این رویکرد دانش آموزان در یک حوزه مطالعاتی با شور و هیجان و علاقه غوطه ور می شوند و از همه داده ها و اطلاعات برای پاسخ به یک سؤال یا حل مسئله استفاده می کنند و این رویکرد سبب می شود که دانش آموزان بر اساس شور و علاقه خود راه بری نمایند.

۱۰. الگوی شبکه ای^{۱۶}: روی ابعاد و جهت های چندگانه تأکید دارند و بر این اساس ایده ها و روش های گوناگون اکتشاف را سبب می شود. این

ریاضیات، علوم، ادبیات، مطالعات اجتماعی و هنر که این دروس به وسیله معلمان مختلف در مکان های مختلف تدریس می شود. این رویکرد تلفیقی می تواند از طریق تنظیم عناوین و مفاهیم و مهارت ها با اولویت های برنامه ای در درون هر موضوع درسی سازمان یابد یعنی از مفاهیم بسیار عام شروع شود و به مفاهیم خاص یک نظام رشته ای ختم شود.

۲. الگوی ربط یافته^{۱۸}: این الگو بر ارتباط متقابل یک عنوان با عنوان دیگر و یا یک مهارت با مهارت دیگر یا یک مفهوم با مفهوم دیگر تمرکز می کند. برای اینکه چنین تلفیقی به صورت سودمند صورت بگیرد توصیه می شود که مربیان به دانش آموزان کمک کنند تا بین موضوعات، عناوین و مهارت ها و مفاهیم ارتباط برقرار کنند.

۳. الگوی لانه ای یا تو در تو^{۱۹}: در این الگو ابعاد مختلف یک درس مورد توجه قرار می گیرد. این نوع تلفیق از مزایای ترکیب طبیعی برخوردار است. در یک درس ممکن است نتایج یادگیری متعددی لانه کرده باشد که می توان به عنوان سازمانده از آنها استفاده کرد.

۴. الگوی توالی منطقی^{۲۰}: در این نوع تلفیق، عناوین واحدها به صورت مستقل اما به صورت مرتب و متوالی آموزش داده می شود تا چارچوبی برای مفاهیم مرتبط پیدا کنند. معلمان عناوین را طوری مرتب می کنند که واحدهای مشابه مشخص باشند و برای اینکه چنین امری صورت گیرد معلمان باید توالی عناوین بیان شده در کتاب درسی را تغییر دهند.

۵. الگوی هم پوشی^{۲۱}: این الگو دو رشته مجزا را با هم در یک رشته ترکیب می کند. ضروری است معلمان دو رشته تدریس خود را طوری طراحی کنند که در یک کلاس با هم اتفاق بیافتد و این ها روی مهارت ها عناوین و مفاهیم مشترک تأکید کنند. و هم پوشی و نکات مشترک در محتوای دروس را مشخص کنند.

۶. الگوی تنیده^{۲۲}: از یک رویکرد موضوعی برای تلفیق استفاده می کنند. موضوعات پربار از قبیل تغییر، فرهنگ ها، اختراعات و... فرصت های زیادی برای معلمان رشته های مختلف برای پیدا کردن مفاهیم و عناوین مشترک فراهم می کنند. به عنوان مثال در درس علوم ماشین های ساده مورد مطالعه قرار می گیرند، در درس هنرهای

